

بررسی فرهنگ مردم‌سالاری دینی در قرآن کریم (صفحات ۱۵۵ تا ۱۷۸)

DOR:20.1001.1.17358663.1402.18.55.7.7

نوع مقاله: پژوهشی

سید عبدالمناف محسنی نیکو^۱ * محمدرضا قائدی^۲ * حمیدرضا حقیقت^۳

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۴

دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۹

چکیده

مهم‌ترین ویژگی قرآن «جامعیت» آن است که مورد قبول اکثر اندیشمندان است. قرآن به عنوان کتابی کامل و جامع به موضوعاتی مختلف از جمله «مردم» و «سیاست» پرداخته و از آنجا که حکومت در اسلام از مهم‌ترین بنیان‌های جامعه به شمار می‌رود، بیان مسائل و موضوعات سیاسی در قرآن از اصول اساسی است. مردم‌سالاری یکی از انواع روش‌ها و شیوه‌های حکومت‌داری است؛ از دیدگاه اسلام تقابلی بین «خدا» و «انسان» وجود ندارد؛ خداوند منشأ قانون‌گذاری است و انسان «خلیفه» و «جانشین» خدا بر روی زمین است. به همین دلیل انسان موجودی شریف، دارای فضیلت و کرامت است که «منشأ» و «مبدأ» تحولات اجتماعی شناخته شده و از جایگاه و نقشی ارزنده در قرآن برخوردار است. قرآن کریم در آیات متعددی به حاکمان حکومت اسلامی مؤکداً یادآوری نموده که در مقابل مردم خاضع و مهربان بوده، آزادی آن‌ها را در چارچوب شرع رعایت، خواسته‌های آنان را تأمین و با آن‌ها مشورت نمایند. مفهوم دخالت «مردم» هسته مفهومی مشترکی است که مرز نظام مردم‌سالار را از غیر مردم‌سالار متمایز می‌کند. تکریم شخصیت و حفظ حرمت مردم، برخورداری از حمایت آنان، ایجاد عدالت و زمینه‌های رشد، پیشرفت و بالندگی در جامعه از مهم‌ترین شاخص‌های مشروعیت حاکمیت می‌باشند. هدف پژوهش حاضر بررسی «فرهنگ مردم‌سالاری» از دیدگاه قرآن کریم است. در این تحقیق با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، داده‌ها گردآوری شده و با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، آیات قرآنی بررسی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و به کمک یافته‌ها، پژوهش به این نتیجه می‌رسد که «فلسفه نقش و جایگاه مردم» در تصمیم‌گیری و مشارکت سیاسی، تدبیر و سیاست دین و دنیای انسان در قرآن از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

واژگان کلیدی: مردم، مردم‌سالاری، اندیشه سیاسی، قرآن، اسلام.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران
mohseni1004@yahoo.com

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول).
ghaedi1352@gmail.com

۳. استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.
hamidrezahaghi@yahoocom

۱- بیان مسئله

مردم سالاری به معنی «حاکمیت مردم» یکی از انواع روش‌ها و شیوه‌های حکومت‌داری است و در قرآن از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است؛ قرآن کتابی راهنماست که هستی‌شناسی و جهان‌بینی دولت اسلامی را تبیین، قواعد کلی و راهبردهای آن را مشخص نموده و در سراسر تاریخ پرفراز و نشیب اسلام به عنوان چشمه زلال و جوشان، آبشخور معارف و مباحث گوناگون بوده و هست و در طول ادوار مختلف، افراد جویای حق و عدالت را به تکامل و سعادت هدایت نموده است؛ قرآن حکومت را برای مردم می‌خواهد نه مردم را برای حکومت. از دیدگاه قرآن «مردم» به عنوان یک «دال» از ارکان اساسی تشکیل و حفظ حکومت هستند؛ نظام سیاسی بدون حضور، رضایت و مقبولیت مردمی، دوام نخواهد داشت. همچنین انسان «آزاد و مخیر» به انتخاب مسیر زندگی است و نسبت به سرنوشت خود و دیگران تکالیف و وظایفی دارد که عدم انجام آن به معنای سقوط و عذاب الهی است، زیرا همان‌طوری که شخص نسبت به سرنوشت خود، مسئول است، نسبت به سرنوشت جمعی نیز مسئول است. از دیدگاه قرآن، نه تنها تعیین سرنوشت جمعی و تغییر آن، مانند حق تعیین سرنوشت شخصی، یک حق الهی می‌باشد، بلکه یک مسئولیت و تکلیف شرعی و الهی است، زیرا انسان هر چند می‌تواند حق فردی و شخصی خود را نادیده بگیرد، ولی نمی‌تواند از تکلیف اجتماعی خویش صرف نظر کند، زیرا مسئولیت به معنای بازخواست است و شخص باید پاسخ‌گویی هر انتخاب و رفتاری باشد که در حوزه تکالیف و مسئولیت‌ها انجام می‌دهد؛ فلسفه پاسخ‌گویی انسان در امتداد و در راستای «آزاد» بودن وی، دارای ارزش و اعتبار و قابل توجیه است.

قرآن دارای تفکر و اندیشه سیاسی است، وجود حدود ۵۰۰ آیه سیاسی در قرآن بهترین مثال و نمونه برای اثبات سیاسی بودن قرآن و پاسخ‌گویی به شبهات مخالفان سیاسی بودن قرآن است. درک و فهم نکات سیاسی آیات قرآنی نیازمند تفکر در آیات و تفسیر آنهاست و باید تفسیر آیات سیاسی قرآنی را در کنار تغییر و تحولات اجتماعی، صنعتی و ارتباطی جهانی پیش برد تا جوابگوی مسائل روز باشند. آیاتی در مورد آینده جهان، صالحان و مستضعفان به عنوان وارثان زمین، حقوق فردی و اجتماعی، حکومت و حاکمیت خدا، اطاعت از رهبری و ولایت، امت واحد و دموکراسی، ملک و پادشاهی، آیات شوری و مشورت، مبارزه با طاغوت و دیکتاتورها، عدم پذیرش بیگانگان، آزادی و

عدالت اجتماعی، قضاوت و داوری، معاملات و اقتصاد، توزیع ثروت و تعاون، اختلاف و شرایط صلح، جهاد و دفاع در راه خدا، حج و مبارزه با نژادپرستی، امر به معروف و نهی از منکر، برخورد با اسیران و مجروحان، عقد و قراردادنامه، ربا، قرض الحسنه و بانکداری، سازش کاری با غیر خودی و طرح دوستی با دشمن و کافران، در قرآن آمده که همگی حاکی از سیاسی بودن قرآن است.

کتابی که برای اداره زندگی بشر آمده، نمی‌تواند از ابعاد سیاسی زندگی اجتماعی بی‌بهره باشد؛ قرآن در بعضی از مواقع گزارش‌هایی را از وضعیت دولت اسلامی مستقر در شهر مدینه و چالش‌ها و مشکلات آن بیان داشته و در ادامه، روش‌ها و سازوکارهای رهایی از آن را تبیین می‌کند. در این گزارش‌ها تنها به تحلیل و تجزیه امور نمی‌پردازد، بلکه به چگونگی برخوردها و سیاست‌های پیامبر اشاره می‌کند و با توجه به شناختی که از وضعیت اوضاع و شرایط اجتماعی و سیاسی و حتی فرهنگی جامعه به دست می‌دهد، توصیه‌هایی را پیشنهاد و حتی فرمان می‌دهد تا اجرایی شوند.

توجه به مردم، رضایت و همراهی آن‌ها با نظام سیاسی، نقش و جایگاه مردم در وقایع، رخدادها و تصمیم‌گیری‌های سیاسی عمری به بلندای تاریخ بشری دارد. امروزه بررسی نقش و جایگاه مردم در نظریه‌های مربوط به تشکیل حکومت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این نگاه و توجه مجدد به آن، اهمیت بخشی «مردم» به عنوان متغیری تعیین‌کننده در معادلات سیاسی را نشان می‌دهد که دارای نقشی تعیین‌کننده است. برداشتی نوین از دین اسلام که بر جنبه‌های سیاسی اسلام به عنوان دینی کامل و جامع پرداخته و بر نقش مردم در امور سیاسی جامعه دینی تأکید دارد و دلالت بر مرجعیت سیاسی و اجتماعی اسلام دارد، «مردم‌سالاری دینی» نامیده می‌شود؛ مردم‌سالاری دارای سه مشخصه خردورزی، قانون مداری و عدالت محوری است. نظام سیاسی مورد نظر دین اسلام و کتاب قرآن و متکلمان اسلامی، تنها مدل حکومتی است که در آن مشروعیت دینی و مشروعیت سیاسی با هم جمع شده است. خداوند سبحان در مورد نقش و جایگاه پیامبران به عنوان خلیفه و جانشین خود بر روی زمین و تشکیل حکومت و قیام به عدالت، به کمک، همراهی و مساعدت مردم، در قرآن مجید می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵). آیه شریفه به این اصل مهم اشاره می‌کند که خداوند به منظور برقراری عدالت در جامعه انسانی، قوانینی وضع کرد و آن‌ها را به وسیله پیامبران به

شکل کتاب‌های آسمانی و قوانین الهی تشریح و تبیین نموده تا پیامبران به کمک مردم، بتوانند در جامعه به قسط و برپایی عدالت قیام نمایند و به مردم آموزش‌های لازم را بدهند که چگونه در راستای نظام تکامل هستی و سعادت و خوشبختی خود گام بردارند و چگونه از ابزارهای موجود برای ساختن دنیایی آباد و مدینه‌ای فاضله اقدام کنند. در این آیه به‌خوبی تصریح شده که در کنار مبعوث شدن پیامبران با کتاب و ادله روشن، شرط اصلی در به هدف رسیدن و به ثمر نشستن قیام به قسط و عدالت و به تبع آن تشکیل جامعه و حکومتی عادل، همراهی و حمایت مردم است و در صورت عدم حمایت و همراهی مردم، به تنهایی کاری از عهده پیامبران بر نمی‌آید.

با توجه با آیات قرآنی، «انسان» جانشین خداوند در روی زمین است: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره، ۳۰). در این آیه به جایگاه مهم «انسان» بر روی زمین اشاره می‌شود و بیان می‌کند که انسان دارای جایگاه و ارزش والایی است و از وی به عنوان «خلیفه و جانشین» خداوند بر روی زمین یاد می‌شود؛ یعنی مقام «خلیفه الهی» و جانشینی از جمله حق تشکیل حکومت، به جانشین خدا در روی زمین واگذار می‌شود. از نظر قرآن انسان آزاد آفریده شده و بعد از آفرینش، شخصیتی مستقل و آزاد دارد؛ موجودی است که در انتخاب راه پس از هدایت، آزاد و مختار است و هیچ‌گونه جبری در انتخاب راه و هدف و ادامه زندگی ندارد. در سوره «انسان» پس از آنکه «آدمی» را دارای نعمت شنوایی و بینایی دانسته می‌فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»؛ ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد، خواه ناسپاس (انسان، ۳) و نیز در آیه‌ای دیگر آمده است: «وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ» (بلد، ۱۰). با توجه به این آیات انسان در انتخاب «راه و هدف» آزاد است و می‌تواند آن را بپذیرد یا رد کند؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها و تمایز انسان از بقیه مخلوقات نظام هستی «آزاد بودن و قدرت انتخاب» اوست؛ مردم‌سالاری و قرآن دو موضوع و دغدغه اصلی این پژوهش هستند و طبق آیات قرآنی، به این نتیجه می‌رسد که: اصل دخالت مردم در ساخت زندگی جمعی - اجتماعی و نظم سیاسی، در قرآن پذیرفته شده است.

۲. ادبیات پژوهش

۲-۱. ادبیات تجربی

مسئله نقش مردم در سیاست، از مسائل ریشه‌دار و مهم در تاریخ بشری است و یکی از

موضوع‌های اساسی مورد توجه کنشگران و اندیشمندان سیاسی بوده و هست. بحث نقش و جایگاه مردم در تأسیس حکومت، نحوه و روش اداره جامعه از مباحث مهم و کلیدی است که در قلمرو سیاست و حکومت ریشه و تاریخی عمیق دارد. در این تحقیق، جایگاه فرهنگ مردم‌سالاری دینی در قرآن، مورد بررسی قرار گرفت و تلاش شد بر اساس مستندات (آیات قرآنی) این موضوع تبیین و بررسی شود. دین اسلام با توجه به بینش توحیدی و کل‌نگری که دارد، هیچ بخشی را از دایره آموزه‌های دینی بیرون نمی‌داند و مردم نقش اساسی در تشکیل حکومت، حفظ و استمرار آن دارند.

در ادامه به تعدادی از مقالاتی که در این زمینه نگاشته شده اند، اشاره می‌شود.

استوار (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «نقش سرمایه فرهنگی امام خمینی (ره) در انقلاب اسلامی ایران» بیان داشت: انقلاب اسلامی ایران یکی از وقایع تاریخی بزرگ است که با نام امام خمینی (ره) پیوند خورده و بدون شناخت ایشان، نمی‌توان ابعاد انقلاب را واکاوی کرد. ویژگی‌های زبانی و فرهنگی امام (ره) از یکسو و مختصات میدان سیاسی ایران از سوی دیگر، در شکل‌گیری مشروعیت فراگیر امام (ره) نزد مردم و گروه‌های سیاسی نقشی به سزا در انقلاب اسلامی داشت. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که امام (ره) با کاربرد عناصر اسلامی- شیعی در مقابل سیاست‌های تجددگرایانه رژیم پهلوی، نسبت به بسیج سیاسی ایرانیان در حمایت از باورها و ایده‌های انقلاب آفرین مبادرت کردند.

خسروانی، جعفری نژاد و گلشنی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی سبک زندگی مطلوب کارگزاران سیاسی منطبق بر قرآن، سنت معصومین (ع) و عقل در راستای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» با استفاده از فرهنگ قرآنی، سنت معصومین (ع) و عقل، با بهره‌گیری از روش مصاحبه حضوری و مراجعه به متخصصین امر و از طریق روش تحلیل محتوای کیفی و استفاده از منابع قرآنی، ۱۲ مؤلفه و ۶۰ شاخص را استخراج نمودند و در پایان به این نتیجه رسیدند که برای پیشرفت در عرصه‌های مختلف باید زمینه‌های آن فراهم شود. یکی از این زمینه‌ها، اصلاح سبک زندگی کارگزاران سیاسی در جامعه بر اساس الگوهای اسلامی- ایرانی است.

فرهادی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی اصول مردم‌سالاری دینی در قرآن و حدیث» بیان داشت: مردم‌سالاری دینی شیوه حکومتی برآمده از دین و آموزه‌های آن

است؛ بر اساس یافته‌های پژوهش در قرآن و حدیث، مردم‌سالاری دینی از اصولی همچون: دانایی محوری، قانون مداری، عدالت، آزادی، خدمتگزاری، امر به معروف و نهی از منکر و نفی سلطه و طاغوت، برخوردار است.

رستمی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «نقدی بر نظریه بیگانگی قرآن با سیاست (با الهام از اندیشه سیاسی امام خمینی)» بیان داشت: یکی از پرسش‌های چالش‌برانگیز و باسابقه در عرصه پژوهش‌های قرآنی این است که آیا قرآن با سیاست در ارتباط است؟ وی در این مقاله با نشان دادن پیوند اندیشه سیاسی - حکومتی امام خمینی با آیات قرآن کریم، با توجه به آیات قرآن حامل معانی و مفاهیم سیاسی و حکومتی، بطلان و سستی نگرش بیگانگی را آشکار ساخته و وجود پیوند میان قرآن با سیاست را نمایان نمود.

نکویی زهرایی و نجار اصفهان زاده (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «مردم‌سالاری از دیدگاه اسلام و قرآن» بیان داشتند: مردم‌سالاری دینی به این معنی است که ارزش‌های دینی و مذهبی نقش اساسی در حوزه عمومی جامعه‌ای که مملو از مردم مذهبی می‌باشند، ایفا می‌نماید، مردم‌سالاری دینی در چارچوب عقل‌گرایی قرار گرفته و دارای اجزاء مشخص می‌باشد؛ با پذیرش این مفهوم، مردم‌سالاری خود دارای چندگانگی (plurality) در جامعه بین‌الملل می‌گردد.

قاضی‌زاده (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «قرآن و مردم‌سالاری دینی در عصر غیبت» بیان داشت: یکی از مباحث مهم در اندیشه مسلمین به‌ویژه شیعه، نظریه نظام سیاسی مطلوب اسلام در عصر حاضر است. پس از پیروزی انقلاب عناوینی چون جمهوری اسلامی، دموکراسی دینی و مردم‌سالاری دینی مورد توجه نظریه‌پردازان و مسئولان قرار گرفت. در پایان رأی ده نفر از افراد قابل توجه به جهت مکانت علمی یا موقعیت سیاسی بررسی و آیات مربوط به خلافت انسان در زمین و شورا، وفای به عهد و آیات دال بر توجه به خطابات تکالیف عمومی به مردم به عنوان چهار دلیل قرآنی مورد بحث قرار گرفتند.

پورفرد (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «قرآن، جمهوریت و مردم‌سالاری» مفهوم جمهوریت و مردم‌سالاری در قرآن را مورد بررسی قرار داد. وی معتقد است آن چه در اصل رضایت و مقبولیت عامه مهم جلوه می‌کند، مفهوم رضایت شهروندان در اطاعت از نظام سیاسی است؛ بدون رضایت مردم، مقبولیت سیاسی یک نظام به خطر می‌افتد و التزام

و اطاعت افراد، یکی از مظاهر آزادی افراد در چارچوب قوانین است که از کار ویژه‌های اصل رضایت و قبول عامه در نظام سیاسی دینی می‌باشد.

رهبر (۱۳۸۰) در مقاله‌ای با عنوان «مردم‌سالاری دینی از منظر قرآن کریم» بیان داشت: انقلاب اسلامی بر سه ضلع زمینی «مکتب، رهبر و مردم» و یک مکمل افلاکی تحت عنوان «عنايات و امدادهای الهی نسبت به مردم» استوار است. نقش مردم دین‌دار در حکومت اسلامی این است که با آزادی و اختیار حکومت را انتخاب و تحقق می‌بخشند. او مردم‌سالاری در قرآن را مبتنی بر اختیار انسان و ایمان محوری، آگاهی و بصیرت دینی و حفظ منافع جمعی می‌داند.

نظرزاده (۱۳۸۰) در مقاله‌ای با عنوان «آموزه‌های سیاسی قرآن» بیان داشت: سخن از سیاست و حکومت در قرآن کریم بسیار دشوار است، چون موضوع سیاست در کتاب مقدس مسلمانان در میان متفکران و صاحب‌نظران در حد اثبات و انکار کلی است؛ برخی همه این کتاب آسمانی را حکومتی و مربوط به امور اداره انسان و جوامع بشری دانسته‌اند و برخی یکسره آن را غیرسیاسی خوانده‌اند.

مقالات فوق و دیگر آثار و پژوهش‌های مرتبط با موضوع، مراحل ابتدایی خود را می‌گذرانند و تاکنون نتوانستند به طور کامل، واضح و آشکار، جایگاه مردم‌سالاری در قرآن را تشریح کنند؛ این پژوهش در نظر دارد با بهره‌گیری از مفهوم مردم‌سالاری و جامعیت قرآن، جایگاه «فرهنگ مردم‌سالاری دینی را در قرآن» واکاوی و تشریح نماید.

۲-۲. ادبیات نظری

تعریف مفاهیم

- مردم: واژه مردم در لغت به معنای «آدمی» و «انسان» است، بیشتر به صورت جمع به کار می‌رود (عمید زنجانی، ۱۳۷۲، ۹۳۰) و به کسانی که در یک مکان اقامت دارند اطلاق می‌شود. در تحقیق حاضر از این واژه معنای جمع اراده شده، معنایی که از آن به «توده‌ها» یاد می‌شود و ذیل آن نیز «فرد فرد» انسان‌ها قرار می‌گیرد. درباره مفهوم مردم در عرصه سیاست، رهیافت اول به نوعی از نظام‌های سیاسی و طرز تلقی در خصوص روش و شیوه زندگی سیاسی مردم معطوف است و رهیافت دوم به موضوع مردم از زاویه فلسفه اجتماعی و ارزش‌های خاصی که آن ایدئولوژی ایجاد می‌کند، معطوف می‌باشد (باباپور، ۱۳۹۰: ۴۳). در کلام سیاسی رایج‌ترین واژه‌ای که متکلمان برای مردم به کار

برده‌اند واژه «ناس» می‌باشد. واژه «الناس» اسم جمع و به معنی «مردم» یا «جماعت مردم» است و ۲۴۱ مرتبه در قرآن آمده است (سیوطی).

- مردم‌سالاری: نوعی حکومت که بر اساس آن «حاکمیت» از آن مردم است. حکومتی که رئیس کشور با رأی مستقیم مردم برگزیده شده و در برابر مردم پاسخگو بوده و وزیران وی در برابر نمایندگان مردم در مجلس پاسخگو هستند. مردم‌سالاری یا دموکراسی به مفهوم جدید آن، به معنای حاکمیت مردم است. پیشینه این اصطلاح به آتن در قرن پنجم قبل از میلاد باز می‌گردد. دموکراسی به معنی «حکومت مردم بر مردم و برای مردم» آمده است. دموکراسی از دو لفظ یونانی «Demos» به معنای عامه مردم و «kratos» به معنای قدرت، حکومت، اداره امور و حاکمیت، گرفته شده است (جلالی، ۱۳۹۲: ۱۲).

- اندیشه سیاسی: در تعریف اندیشه سیاسی تعاریف مختلفی مطرح شده، از جمله: «اندیشه سیاسی عبارت است از آموزه‌های سیاسی که از وحی الهی سرچشمه می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، اگر پرسش‌های مربوط به فلسفه سیاسی که با روش انتزاعی و عقلی پاسخ داده می‌شوند، از طریق وحی الهی و متون دینی پاسخ داده شوند، کلام سیاسی تحقق می‌یابد» (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ۵۰۴).

۳. تحلیل تجربی

قرآن کریم و اندیشه سیاسی

دین اسلام به دلیل کل‌نگر بودن در عرصه سیاست نیز وارد شده است؛ ورود به سیاست به این معنی است که قرآن کریم دارای اندیشه سیاسی است. این اندیشه سیاسی دارای دو بخش، یکی «فلسفه سیاسی اسلام» و دیگری «فقه سیاسی اسلام» می‌باشد (لکزایی، ۱۳۹۴: ۳۲). وجود ۵۰۰ آیه سیاسی در قرآن بهترین مثال و نمونه برای اثبات سیاسی بودن قرآن است. قرآن کریم، مطابق آیه ۸۹ سوره نحل از مبعوث شدن «مرشد و رهبر» برای هر امتی سخن می‌گوید تا برای رسیدن به هدف، راه درست را از نادرست تشخیص دهند: «وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ وَتَزَلُّنَا عَلَيْكَ الْكُتُبَ تَبْيِينًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» (یاد کن) روزی را که در هر امتی، شاهدی بر آنان از خودشان برانگیزیم و تو را بر آنان گواه

آوریم و بر تو این کتاب را نازل کردیم که روشنگر هر چیز است و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است» (نحل: ۸۹).

یکی از مباحثی که در فلسفه سیاسی اسلام مطرح است، ارتباط عمیق فلسفه سیاسی و اعتقادی می‌باشد. این مطلب از آیه ۵۹ سوره نساء استفاده می‌شود. در این آیه آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛ ای اهل ایمان، خدا و رسول و فرمانداران از طرف خدا و رسول را اطاعت کنید؛ درک و فهم نکات سیاسی آیات قرآنی نیازمند تفکر در آیات و تفسیر آنهاست و باید تفسیر آیات سیاسی قرآنی را در کنار تغییر و تحولات اجتماعی، صنعتی و ارتباطی جهانی به پیش برد تا جوابگوی مسائل روز باشند؛ میان مسائل سیاسی و امور اعتقادی رابطه عمیق وجود دارد.

به‌طور کلی می‌توان به نمونه‌هایی از آیات سیاسی قرآن در ذیل اشاره نمود:

- ۱- آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر (آل عمران: ۱۰۴-۱۱۰؛ توبه: ۷۱).
- ۲- آیات لزوم اطاعت از اولی الامر (نساء: ۵۹-۶۵-۱۰).
- ۳- نپذیرفتن ولایت و سرپرستی بیگانگان، کافران، جاهلان (آل عمران: ۱۱۸-۲۸؛ نساء: ۱۶-۱۴۴-مائده: ۵۱-۵۷؛ هود: ۱۱۳).
- ۴- ولایت پیامبر (ص) بر امت و ولایت مؤمنان بر یکدیگر (احزاب: ۶؛ توبه: ۷۱).
- ۵- لزوم مشورت با مؤمنان و مشارکت دادن آنان در امور فردی، اجتماعی و سیاسی (آل عمران: ۱۱۵-۱۵۱؛ شوری: ۳۸).
- ۶- لزوم نجات مظلومین و مستضعفین (نساء: ۷۵) و آیات مربوط به جهاد و دفاع.
- ۷- آیات نهی کننده از حکمرانی به غیر از دستورات الهی (مائده: ۴۴-۴۵-۴۷-۵۰).
- ۸- بیان خصوصیات جامعه اسلامی (اعراف: ۱۵۷؛ فتح: ۲۹).
- ۹- بیان لزوم تهیه نیرو و تجهیزات لازم برای حکومت اسلامی و حفظ آن (انفال: ۶۰).
- ۱۰- بیان ویژگی‌های رهبر و کسی که مردم از او اطاعت و پیروی می‌کنند (یونس: ۳۵).

بررسی ابعاد جایگاه مردم در اندیشه سیاسی قرآن

سخن از مردم‌سالاری و نقش مردم در حکومت و حق انتخاب و تعیین سرنوشت خود، امروزه به یکی از موضوعات مهم اندیشه سیاسی تبدیل شده و بررسی آن از نگاه

کلام سیاسی امری ضروری است، ضرورتی که با لحاظ مبانی انسان‌شناختی بایستی به آن توجه شود. از نگاه دین اسلام و کتاب قرآن، جهان از آن خداست و تنها اوست که حق حاکمیت دارد. او انسان را آزاد آفریده است و هیچ کس حق حاکمیت بر دیگری را جز او ندارد. این امر بدین معنی است که انسان مسلمان تنها می‌تواند در مقابل قدرت خدا یا قدرتی که از طرف خداوند مأذون و مشروع است، سر تسلیم فرود آورد و آن را مورد پذیرش قرار دهد و از نگاه قرآن، هر قدرتی غیر از آن، نباید مورد پذیرش واقع شود یا به تعبیر دیگر، هر حاکمیتی غیر از حاکمیت الهی از منظر اسلام مشروعیت ندارد. این موضوع در آیات متعدد قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته که برخی از آن‌ها عبارت است از:

- فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن‌هاست، از آن خداست و او بر هر کاری تواناست (مائده: ۱۲۰).

- فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست و هیچ خدایی جز او نیست (اعراف: ۱۵۷).

- حکم جز خدا نیست، فرمان داده است که جز او را نپرستید (یوسف: ۴۰).

- جز این نیست که ولی شما خداست (مائده: ۵۵).

- حکم تنها حکم خداست (انعام: ۵۷).

آیات فوق به‌وضوح بیان می‌کنند که حکم و حکومت فقط و فقط از آن خداست و تنها خداست که حق حاکمیت و فرمانروایی دارد و خداوند سبحان طبق آیه ۳۰ سوره بقره: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» مقام خلافت و جانشینی خود بر روی زمین را به «انسان» واگذار کرد. همچنین طبق آیات «انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا» (انسان: ۳) و «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» خدا هیچ کس را تکلیف نکند، مگر به قدر توانایی او (بقره: ۲۸۶). خداوند هیچ فردی را بیشتر از توانایی‌هایش ملزم به انجام کاری نمی‌کند و اقدامات و کارهای انسان برگرفته از میزان توانایی و قدرت اوست و از آنجا که انسان در طول عمر خود قادر به افزایش توانمندی‌ها و ظرفیت‌های خود است، در نتیجه می‌تواند حرکت رو به رشد در مسیر زندگی داشته باشد و این امر مربوط به زندگی فردی و اجتماعی است.

هرچند که خداوند تبارک و تعالی در آیه ۵۹ سوره نساء «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا

اللَّهِ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» اطاعت مردم از جانشینان خود بر روی زمین - پیامبر و اولی الامر - را بر مؤمنین واجب فرموده، اما اگر جانشین یا ولی امری برخلاف کتاب و سنت، دستوری صادر نمود، مردم نباید اطاعت کنند و حکم او نافذ نیست، زیرا پیامبر اکرم (ص) قاعده‌ای کلی به دست عموم مسلمین داده و فرموده: «لا طاعه لمخلوق فی معصیه الخالق» (هیچ مخلوقی در فرمانی که به معصیت خدا می‌دهد، نباید اطاعت شود). این دستور را شیعه و سنی روایت کرده‌اند و با همین دستور است که اطلاق آیه تقیید می‌شود. طبق آیه فوق، بعد از پیامبر اکرم می‌باید امت اسلامی از «اولی الامر» یعنی امام معصوم تبعیت می‌کردند؛ طبق تحلیل حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بنده خدا باید مطیع خدا و قانون خدا باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲)؛ اما برخلاف نص قرآن کریم، جمع محدودی از صحابه پیامبر در «سقیفه» دور هم جمع شدند و با توجه به نفوذی که در بین جامعه سنتی و عشیره‌ای آن زمان داشتند؛ با انتخاب جناب ابوبکر، راهی برخلاف آنچه خدا دستور داده بود، برگزیدند و به این ترتیب مشروعیت نزد اهل سنت با مشروعیت جامعه‌شناختی (مقبولیت و اعتبار) آغاز شد؛ یعنی حادثه‌ای اتفاق افتاد و مردم عادی پذیرای آن شدند. پذیرش واقعه تاریخی چگونگی به قدرت رسیدن خلفا، بعدها موجب پیدایش نظریه‌های مشروعیت نزد اهل سنت (نظریه انتخاب اهل حل و عقد، نظریه استخلاف و نظریه شورا) شد. تاریخ اندیشه سیاسی اهل سنت گواه است که این اندیشه‌ها به تبع وقایع زمانه شکل گرفته‌اند. به تعبیر دیگر، مشروعیت به مفهوم فلسفی آن، متأخر از مشروعیت به مفهوم جامعه‌شناختی آن نزد اهل سنت بوده است. آن‌ها از مشروعیت جامعه‌شناختی به مشروعیت فلسفی رسیده‌اند و به همین سبب است که یکی دیگر از نظریه‌های مشروعیت که متأخرتر از آن سه است، نظریه استیلا است که پس از روی کار آمدن بنی‌امیه و بنی‌عباس و سپس ظهور سلسله‌های پادشاهی محلی، ارائه شد. نظریه استیلا به این معنی است که هرکسی به هر طریقی بتواند بر مردم مسلط شود و فرمانش نافذ شود، مشروعیت دارد و به بیان دیگر هر سلطه‌ای حقانیت‌آور است (قادری، ۱۳۷۸ و فیرحی، ۱۳۸۷). در کنار اندیشه سیاسی اهل سنت، تفکر سیاسی شیعه از همان ابتدا بر مسئله «مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی» به عنوان پایه و اساس شیوه حکومت، نهادینه شد و گسترش یافت و در اندیشه سیاسی شیعه، مفهوم محوری «امامت» در مقابل «خلافت» اهل تسنن مطرح شد. امام شیعی برگزیده مردم نیست؛ حتی برگزیده شخص پیامبر اکرم (ص) هم نیست، بلکه

امراهی در فردی خاص - علی (ع) تبلور یافت و پیامبر هم آشکارکننده این امر و مأمور به اجرا و ابلاغ فرمان الهی شد. موضوع مشروعیت قدرت سیاسی پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام (ص) از نگاه شیعه در چارچوب نظریه امامت استمرار می‌یابد. این امر بدین معنی است که شیعه پس از پیامبر (ص) تنها قدرتی را بر حق می‌داند و مورد پذیرش قرار می‌دهد که در چارچوب نظریه امامت شکل گرفته باشد (مطهری، ۱۳۷۴).

حال این پرسش مطرح است که با توجه به آیات قرآنی، مردم در اندیشه سیاسی قرآن از چه جایگاهی برخوردار هستند؟ در پاسخ باید گفت: با بررسی آیات متعدد قرآن، موارد فراوانی از جمله «مقام خلافت الهی، جایگاه مردم در انتخاب امام، پذیرش مسئولیت‌های محوله از جانب امام، مشارکت در حکومت و نقش نظارت مردم بر حکومت» را در کلام سیاسی قرآن برشمرد که ابعاد آن در ذیل به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

خلافت الهی

انسان بنا بر آیه «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰) بالقوه ظرفیت پذیرش مقام خلافت الهی را دارد، اما آن کس که به این مقام فعلیت بخشیده امام (اعم از وصی و پیامبر) است؛ چراکه افضل از تمامی انسان‌هاست و شایستگی برخوردار از این مقام را پیدا کرده است. در وجوب افضلیت امام بر سایر مردم و برخوردار از این مقام، متکلمان استدلال کرده‌اند که اگر امام افضل از مردم نباشد، لازم می‌آید مساوی و یا ناقص‌تر از مردم باشد. مورد اول باطل است، به دلیل آن که اولی‌ت در انتخاب وی از جانب خدا وجود ندارد، چرا که هیچ‌یک از مردم نسبت به دیگری اولی به مقام امامت نیستند. مورد دوم نیز باطل است، به دلیل آن که تقدیم مفضول بر فاضل در جایی که تفاضل در آن واقع شده است، قبیح است (مدنی، ۱۳۸۹: ۳۸۵).

جایگاه مردم در انتخاب امام

یکی از مسائل مهمی که در تبیین مشروعیت و مقبولیت حکومت باید مورد کنکاش و بررسی قرار گیرد، نوع نگاه حکومت به مردم می‌باشد؛ این که آیا به چشم برده و مملوک به مردم نگاه می‌کند یا آن‌ها را صاحب حق می‌داند و خود را امین، وکیل و نماینده مردم می‌داند. قرآن، مشورت با مردم و دوری از استبداد و دیکتاتوری را از ویژگی‌های حاکمان الهی می‌داند، به گونه‌ای که در صورت عدم توجه حاکمان به موارد

فوق، با بحران مشروعیت سیاسی و مقبولیت عمومی روبه‌رو می‌شود و به همین دلیل به پیامبر اکرم (ص) یادآور می‌شود که علاوه بر مهربانی با مردم و خشن و سنگدل نبودن، با آن‌ها مشورت کند: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» (آل عمران: ۱۵۹). آیه ۶۴ سوره انفال به نقش مردم در امور سیاسی اشاره می‌کند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (انفال: ۶۴). ای رسول، خدا تو را کفایت است و مؤمنانی که پیروان تو هستند. حضرت علی (ع) در مورد حق و حقوق مردم و حاکمان نسبت به همدیگر می‌فرماید: خداوند برای من به موجب این که ولی امر و حکمران شما هستم حقی بر شما قرار داده و برای شما نیز بر من همان اندازه حق است که از من بر شما (نهج البلاغه: خطبه ۲۶۷). خداوند سبحان طبق آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء: ۵۸) فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانشان برگردانید؛ یعنی حکومت و فرمان دادن بر مردم، امانت است که می‌باید به اهل آن داده شود و مردم طبق آیه شریفه «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان: ۳)؛ این اختیار و حق انتخاب را دارند که کدام مسیر و راه را انتخاب کنند. طبق اندیشه و تفکر علوی، در حکومت اسلامی راه رسیدن به قدرت و همچنین دوام و ادامه حکومت بر مردم، نباید با اجبار و اکراه عمومی همراه باشد. شرط اصلی «مقبولیت مردمی» است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای روش و سیره حضرت امام (ره) در برگزاری رفراندوم در مورد اصل نظام، انتخابات خبرگان و قانون اساسی، ریاست جمهوری و مجلس را دلیلی بر اعتقاد واقعی حضرت امام به آراء مردم ذکر می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲).

بیست و پنج سال خانه‌نشینی امام علی (ع) با وجود داشتن مقام ولایت و امامت، اما به دلیل عدم پذیرش و مقبولیت مردمی و بیعت مردم با افرادی دیگر، بهترین مثال و نمونه عملی در تاریخ اسلام و جهان هستی، در توجه و اهتمام ویژه به نقش و جایگاه مردم در حکومت و انتخاب مسئولین حکومتی، است. از دیدگاه قرآن کریم انسان موجودی است آزاد، مستقل و خودمختار که می‌تواند سرنوشت خودش را تغییر دهد و سنت الهی بر این اساس شکل گرفته که تا زمانی که انسان‌ها تصمیم به تغییر در زندگی اجتماعی خود نگیرند، خداوند نیز هیچ تغییری در زندگی آن‌ها ایجاد نخواهد نکرد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱). طبق آیه فوق، انسان آزاد و مختار توانایی ایجاد

تغییر در وضعیت خود را دارد و اگر به توانایی‌های خود «باور» داشته باشد، می‌تواند آن‌ها را از قوه به فعلیت درآورد. با تأسی از همین آیات قرآنی و روایات اسلامی است که مبانی انسان‌شناختی متکلمان شیعه شکل گرفت. از دیدگاه علمای شیعه، انسان بر اساس قوای درونی که مهم‌ترین آن‌ها عقل و شهوت است، نسبت به انتخاب شقاوت و سعادت مختار است و این در حالی است که غرض از خلقت انسان و تکلیف وی، رسیدن به جایگاه عالی و کسب ثواب و پاداش با رعایت مصالح و منافع دنیوی و اخروی است.

مشارکت مردم در حکومت اسلامی

در جامعه مدنی مشارکت سیاسی به عنوان حقی برای افراد مشخص شده است. همچنان که «روسو» مشارکت سیاسی را دخالت در مدیریت جامعه و حاکمیت می‌داند، در جامعه اسلامی مشارکت مردم نه تنها یک حق، بلکه تکلیف است که لزوم دخالت مردم در تصمیم‌گیری سیاسی و اجتماعی را نشان می‌دهد. یکی از مظاهر آشکار آزادی و مشارکت فعال سیاسی در اندیشه اسلامی «بیعت» است که در صدر اسلام شاهد بیعت‌های مهم و سرنوشت‌سازی از سوی گروه‌های مختلف مردم با پیامبر و حاکمان دینی بودیم که هر کدام باعث شده سرنوشت جامعه اسلامی به گونه‌ای رقم بخورد. هر چه مشارکت در جامعه فراگیرتر باشد، رفتار افراد در جامعه به هنجارتر، عقلایی و منطقی‌تر می‌شود و از بیگانگی مردم با حکومت، بی‌اعتمادی، بی‌تفاوتی و تک‌روی جلوگیری می‌شود؛ همچنین عدم وجود روحیه تعاون و همکاری و توجه به منافع شخصی و عمومی را تقلیل می‌دهد، چون انسان موجودی اجتماعی است و مخاطب دین اسلام و کتاب مقدس قرآن، مردم می‌باشد؛ هدف از این مخاطب قرار دادن‌ها، رساندن انسان به کمال و ساختن مدینه فاضله‌ای است که تنها با مشارکت فعال مردم در امور مختلف سیاسی و اجتماعی است که می‌توان امیدوار بود به اهداف مورد نظر قرآن و دین اسلام رسید. صریح‌ترین آیه در مورد لزوم تبعیت دولت از افکار عمومی و رأی صاحبان اندیشه سیاسی یا همان مشارکت سیاسی مردم، آیه ۶۱ سوره توبه است که به اعتراض منافقان و فرصت‌طلبان، به ویژگی بارز «مردمی بودن پیامبر» اشاره می‌کند و نه تنها نسبتی را که منافقان به پیامبر اکرم (ص) داده‌اند، نفی نکرده، بلکه بر آن تأکید نموده و به عنوان صفت نیکو و پسندیده، از آن یاد می‌کند: «وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤَدُّونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَذُنٌ قُلُّ أذُنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ» (و بعضی - از منافقان - هستند که دائم پیغمبر را می‌آزارند و می‌گویند: او

شخص ساده و زودباوری است).

خداوند در چندین آیه به بیعت اشاره نموده و رضایت و خشنودی مردم را هم‌ردیف با رضایت و خشنودی خود می‌داند: «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ» (فتح: ۱۸)؛ خدا از مؤمنانی که زیر درخت با تو بیعت کردند، به حقیقت خشنود گشت. همچنین آیه ۷۲ سوره بقره، بیعت و رضایت مردم - به عنوان رکن اصلی تشکیل حکومت اسلامی و استمرار حکومت علوی - را باعث خشنودی و رضایت خود بیان نمود، زیرا تا زمانی که حضور و حمایت مردمی نباشد، رسالت پیامبران و فرستاده‌های الهی و به دنبال آن حکومت حاکمان به سرانجام نخواهد رسید و به پرتگاه و سقوط نزدیک می‌شود. امروزه نظام‌های سیاسی بر اساس اعتماد عمومی و اراده مردم استوار هستند؛ گرچه مشارکت سیاسی مردم متفاوت از بیعت در دوران گذشته است و در قالب شرکت مردم در انتخابات و همه‌پرسی، راهپیمایی و میزان دل‌بستگی و استقبال از مسئولین کشوری، خود را نشان می‌دهد؛ هرچه میزان مشارکت مردم بیشتر باشد، نظام سیاسی از مقبولیت و استحکام بیشتری برخوردار خواهد بود. از منظر قرآن، انسان مقام والایی دارد و یکی از مقامات و صفات کمالی انسان، مقام جانشینی خداوند در زمین است: «انی جاعل فی الارض خلیفه» (بقره: ۳۰). به طور واضح و روشن بیان شده که مقام خلافت الهی، اختصاص به حضرت آدم ندارد، بلکه فراگیر و شامل جنس انسان است.^۱ چنان که آیه دیگر مسئله خلافت را به همه انسان‌ها تعمیم می‌دهد: «هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ» (فاطر: ۳۹). لازمه مقام جانشینی از خداوند، انتقال شئون و وظایف مربوط به خلافت به خلیفه یعنی انسان است. یکی از شئون الهی مسئله «حق حاکمیت» است که این شأن به خلیفه الهی منتقل می‌شود. چنان که آیه ذیل بعد از تصریح به مقام خلافت حضرت داود، حکمرانی را برای آن مترتب می‌کند: «إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» (ص: ۲۶).

اصول و ویژگی‌های مردم‌سالاری دینی از دیدگاه قرآن

دو مؤلفه در نظام مردم‌سالار دینی لحاظ شده است: الف: مردم‌سالاری؛ ب: دینی

۱- یکی از ادله این ادعا اعتراض ملانکه بر خداوند است که گفتند خلیفه تو در زمین موجب خون‌ریزی و فساد خواهد شد. روشن است اگر مقصود از خلیفه تنها آدم و دیگر انبیاء و معصومان بود، جایی برای اعتراض نبود.

بودن. شاخص‌های مردم‌سالاری دینی با نظام‌های مردم‌سالار دیگر متفاوت است. با توجه به واژه «دینی»، نظامی «مردم‌سالار دینی» است که شاخص‌های هر دو مؤلفه را داشته باشد؛ لذا این نظام نوعی از مردم‌سالاری است که در چارچوب دین می‌باشد. چنان که در اصطلاح «دموکراسی لیبرال» یا «لیبرال دموکراسی» نیز منظور، نوعی از دموکراسی است که در چارچوب اصول لیبرالیسم است. نظام مردم‌سالاری دینی دارای شاخص‌هایی است که می‌تواند ملاکی برای سنجش ماهیت و عملکرد آن باشد، از جمله:

الف. مقبولیت مردمی و مشروعیت الهی

مفهوم مشروعیت یکی از اساسی‌ترین مفاهیم در ادبیات سیاسی و در مباحث مربوط به حکومت و دولت است. در فلسفه سیاسی مهم‌ترین سوال این است که چه حکومتی مشروع است؟ در مباحث فقه سیاسی در موضوع حکومت و زمامداری دو سوال مطرح است: چه نوع حکومتی مشروع است؟ چه کسی حق حکومت دارد؟ در نظام اسلامی به عنوان یک نظام مردم‌سالار دینی، نظام حاکم باید از دو رکن «مشروعیت الهی» و «مقبولیت مردمی» برخوردار باشد. دو رکنی که دقیقاً ناظر به دو مؤلفه مردم‌سالاری و دینی بودن این نظام اشاره دارد. یکی از شاخص‌های مهم حکومت مردم‌سالار، توجه به رأی اکثریت جامعه و مشروعیت یافتن نظام سیاسی است، اگر مردم‌سالاری و احترام به رأی و نظر مردم را به معنای شیوه زندگی سیاسی مردم که همان جامعه سامان یافته با حفظ منافع مردم است، در نظر بگیریم، در تأیید آن می‌توان به منابع متعددی در اسلام اشاره کرد که مؤید رابطه «جدایی‌ناپذیر جامعه اسلامی و مفهوم مردم‌سالاری» است. حکومت حضرت علی (ع) بعد از بیست و پنج سال خانه‌نشینی و امام حسن مجتبی (ع) بهترین نمونه برای ذکر این مدعاست. با آن که امام علی (ع) طبق آیات و روایات مختلف، امام بر حق مسلمانان و دارای مشروعیت الهی است و پس از پیامبر اکرم (ص) حکومت به ایشان می‌رسید، اما تا هنگامی که تأیید جامعه و مقبولیت مردمی در قالب «بیعت» صورت نگرفت، ایشان هیچ اقدامی برای کسب حکومت نکرد، زیرا زمینه اجرایی ولایت و حکومت ایشان و پذیرش مردمی فراهم نبود؛ اما وقتی با پذیرش و اقبال عمومی، زمینه مهیا شد، از زیر بار مسئولیت، شانه خالی نکرد و خلافت را پذیرفت.

نظام مردم‌سالاری دینی برای تشخیص و سنجش عملکرد خود دارای شاخص‌هایی مثل مقبولیت مردمی، مشروعیت الهی حاکم با نصب خاص و نصب عام، مشروعیت

قوانین، مشورت با مردم و مشارکت آن‌ها در اداره جامعه و بها دادن به رأی مردم، آزادی مردم در نظام اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر و نقد و انتقاد از حاکمان می‌باشد. در بحث مشروعیت قوانین در دوران غیبت امام (عج) شاخص مشروعیت قوانین، «فقه جعفری» است. عدم مغایرت قوانین با فقه شیعه معیار مشروعیت قوانین است، اما تحقق حاکمیت اسلامی نیازمند مقبولیت عمومی است. امام علی (ع) در نهج البلاغه به آن اشاره می‌کند: «لولا حضور الحاضر لالقیتم حبلها علی غاربها». اگر حضور شما نبود خلافت را نمی‌پذیرفتم؛ بنابراین یکی از شاخص‌های یک نظام مردم‌سالار دینی، برخورداری از مقبولیت مردمی در عین مشروعیت الهی است. منظور از مقبولیت مردمی، پذیرش عمومی مردم نسبت به تشکیل نظام اسلامی و عدم مخالفت و مانع‌تراشی برای تحقق و تداوم این نظام است (محمدی، ۱۳۸۰: ۴۵). یکی از شاخص‌های بسیار مهم مردم‌سالاری دینی، اهمیت و بها دادن به نظرات مردم در اداره جامعه و کشور در چارچوب قانون است. قانون در نظام اسلامی در چارچوب شرع است، هر چند همانند اصل حاکمیت، قانون نیز نیازمند مقبولیت مردمی است. در قانون یک نظام مردم‌سالار دینی که مورد پذیرش مردم قرار گرفته، دیدگاه‌ها، نظرات و قوانین عادی در چارچوب دین مورد توجه و تصویب قرار می‌گیرد. در دین مبین اسلام به منظور کاهش ضریب خطا در تصمیم‌گیری‌ها و دستیابی به دیدگاه‌های عمیق و صحیح‌تر و جلب مصالح انسان و دفع ضررهای احتمالی، به مؤمنان سفارش شده که در کارهای خود مشورت نمایند (لکزایی، ۱۳۸۶: ۲۱). آیات متعددی در قرآن به «مشورت» اشاره دارند؛ علاوه بر مشورت ملکه سبا با بزرگان قومش در رابطه با نامه حضرت سلیمان (ع)، در دو آیه به طور خاص و صریح به بحث مشورت پیامبر اکرم با مسلمین و مشورت مؤمنین با یکدیگر اشاره شد: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ (آل عمران: ۱۵۹) و «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ»؛ مومنین کارشان را با مشورت یکدیگر انجام می‌دهند (شوری: ۳۸).

ب. آزادی مردم و گروه‌های سیاسی در نظام اسلامی

نوع نگرش مکاتب فکری به انسان‌ها، باعث رقم خوردن سرنوشت سیاسی-اجتماعی انسان می‌شود، زیرا بر اساس همین نگرش‌ها، نظریه‌های سیاسی شکل گرفته، نظام‌های سیاسی تشکیل می‌شوند و در ادامه حکومت‌ها بر پایه همین اصول و نگرش‌ها به عمر کوتاه یا دراز مدت خود ادامه می‌دهند. انسان از نظر خداوند، موجودی است آزاد

و مستقل که می‌تواند سرنوشت خودش را تغییر بدهد؛ طبق آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ» (رعد: ۱۱) سنت الهی بر این اصل استوار است که تا هنگامی که انسان‌ها تمایل و رغبتی برای تغییر زندگی اجتماعی خود نگیرند، خداوند نیز تغییری در زندگی آن‌ها ایجاد نمی‌کند. در آیه «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ» (انسان: ۳) به وضوح تصریح می‌کند که: ما راه راست را به شما نشان دادیم، خواه شکرگزار باشید، خواه ناسپاس. خداوند انسان را بدون هیچ‌گونه اجباری «مخیر» به انتخاب راه و مسیر سنگلاخی و پر پیچ و خم زندگی در رسیدن به کمال نمود. از دیگر شاخص‌های نظام مردم‌سالار دینی، بحث آزادی مردم در چارچوب دین است. در نظام اسلامی، فرمانروا و حاکم، حق تحمیل امور به مردم را ندارد؛ چنانکه حضرت علی (ع) می‌فرماید: «وَلَيْسَ لِي أَنْ أَحْمِلَكُمْ عَلَى مَا تَكْرَهُونَ». هیچ‌گاه امری را که نسبت به آن اکراه دارید، به شما تحمیل نمی‌کنم (نهج البلاغه: خطبه ۵). آیات متعدد و فراوانی در قرآن کریم دلالت بر این شاخص می‌کنند، از جمله: آیه ۲۹ سوره کهف، ۹ سوره انسان، ۳۷ و ۵۵ مدثر، ۲۸ تکویر، ۳۹ نبأ، ۱۲۰ عبس، ۳۹ نجم، ۳۵ نازعات، ۱۹ بنی اسرائیل، ۹ و ۱۰ غاشیه، ۷، ۳۷، ۵۸، ۹۵، ۹۶ و ۱۰۸ یونس، ۱۰۴، ۱۰۶ و ۱۲۹ انعام، ۹۷، ۱۰۰، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۴۰، ۱۷۰، ۱۷۴ و ۱۷۵ نساء، ۸۰، ۱۲۴، ۲۰۴، ۲۱۵، ۲۴۳ و ۲۵۴ بقره، ۶۱، ۱۲۱، ۱۲۴ و ۱۲۹ توبه، همگی بر آزاد و مخیر بودن انسان و همچنین مسئول بودن انسان - در قبال اعمال، رفتار و اقداماتی که بر اساس آزادی و انتخاب درست یا نادرست خود انجام داده - تأکید دارند. بخشی از مفهوم کلام امام علی (ع) که می‌فرماید: «لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا» ناظر به همین بحث آزادی است؛ بنابراین مردم در نظام اسلامی آزاد هستند، اما آزادی در نظام اسلامی با آزادی در نظام‌های غربی متفاوت است. حضرت امام (ره) آزادی غربی و وارداتی که منجر به گسترش فحشا و بی‌بندوباری می‌شود را رد می‌کنند و آزادی را در چارچوب قانون اسلام می‌پذیرند. سیره عملی حضرت علی (ع) با گروه‌های سیاسی و حتی مخالفین ایشان مثل ناکثین، قاسطین و مارقین، بیانگر اعطای آزادی به آن‌ها در قالب حدود اسلامی است؛ لذا ایشان حتی در مورد خوارج زمان خود، آزادی سیاسی را تا جایی می‌پذیرند که به دنبال براندازی و توطئه علیه حکومت نباشند.

ج. نقد و نصیحت حاکم اسلامی

یکی دیگر از شاخص‌های مردم‌سالاری از دیدگاه قرآن کریم، نقد و نصیحت

حاکم اسلامی است. نقش اجتماعی انسان ایجاب می‌کند که ناظر و مراقب حوادث، اتفاقات و امور پیرامون خود باشد. این تعهد و نقش اجتماعی در دین اسلام، امر به معروف و نهی از منکر نامیده می‌شود که مهم‌ترین تفکر سیاسی یک انسان مسلمان و حتی از مهم‌ترین فرائض دینی و واجب کفایی و ضامن بقای دین اسلام است؛ انسان مسلمان همچنان که نسبت به رفتار خودش مسئول است، نسبت به رفتار دیگران حتی رفتار حاکمان و مدیران حکومتی احساس مسئولیت می‌کند. جامعه‌ای می‌تواند به قله‌های پیشرفت و سعادت برسد که فرهنگ «نقد، امر به معروف و نهی از منکر» را مورد پذیرش قرار داده و عملی کند. برای جلوگیری انحراف از خط‌مشی اسلام ناب محمدی و خدمت‌گذاری بدون منت به مردم، نظارت بر رفتار حاکمان و فرمانروایان اسلامی از مهم‌ترین عوامل برای حضور آگاهانه و آزادانه توده‌های مردم، در احساس مسئولیت نسبت به مدیریت جامعه است. از میان انواع آزادی‌ها، آنچه با نقد و نظارت قدرت حاکم اسلامی ارتباط دارد، آزادی «عقیده و بیان» است؛ یعنی انسان بدون داشتن ترس و لکنت زبان، به ابراز عقیده، نقد، نصیحت و سوال از حاکم و مسئولان حکومت پردازد.

خداوند در آیات ۱۷ و ۱۸ سوره زمر «وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ» و «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» مردم و حاکمان را به شنیدن سخنان دیگران و در ادامه، پیروی کردن از بهترین گفتار که لازمه آن تفکر و اندیشیدن است، دعوت می‌کند. همچنین در آیه ۹۸ سوره نساء «تفتیش عقاید» را نفی می‌کند. در قرآن کریم آیات متعددی همچون: «يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» و «تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران: ۱۰۴ و ۱۱۰)، دلالت بر امر به معروف و نهی از منکر دارند؛ همچنین آیات ۱۱، ۱۱۳ و ۱۱۴ سوره آل عمران، آیات ۲، ۶۳، ۷۸، ۷۹ و ۱۰۵ سوره مائده، آیات ۱۱۴ و ۱۳۵ سوره نساء، آیه ۹ سوره حجرات، آیه ۱۱۶ سوره هود، آیه ۴۱ سوره حج، آیه ۱۶۵ سوره اعراف، آیه ۴۵ سوره عنکبوت، آیات ۶۷ و ۷۱ سوره توبه، آیه ۲۱ سوره نور، آیه ۱۳۲ سوره طه آیه ۹۰ سوره نحل، به اهمیت و نقش امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اشاره می‌کنند. در نظام مردم‌سالاری دینی مردم این حق را دارند که نسبت به رفتار حاکم اسلامی نقد و سوال داشته باشند و پرسش و ایرادات خود را نسبت به رفتار وی در شیوه حکومت‌داری بیان کنند. این مسئله در قالب اصولی مثل «النصيحة لائمة المسلمين» و اصل «امر به معروف و نهی از منکر» توسط

اندیشمندان اسلامی پذیرفته شده است. مردم می‌توانند به عنوان خیرخواه حاکم و جامعه اسلامی، دیدگاه و نظرات خود را نسبت به حکومت و شخص حاکم، آزادانه و بدون لکنت زبان، بیان نمایند و یا از باب امر به معروف و نهی از منکر، حاکم و کارگزاران حکومتی را نسبت به انجام «معروف» امر نمایند و از انجام «منکر» پرهیز دهند.

۴. نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های قرآن کریم، جامعیت آن است. مباحث و موضوعات مختلف مطرح شده در قرآن نشان از گستردگی و عمق والای معارف اسلامی دارد. یکی از مباحث مهمی که در قرآن کریم به آن اهمیت خاصی داده شده، مباحث سیاسی حکومت‌داری و نقش مردم در تشکیل حکومت است. وجود آیه ۵۰۰ سیاسی در قرآن، بهترین مثال و دلیل قانع‌کننده بر سیاسی بودن کتاب قرآن است؛ مسئله مهم و اساسی نقش و جایگاه مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی حکومت را می‌توان در آیات قرآنی به وضوح دریافت. از دیدگاه قرآن، انسان خلیفه و جانشین خدا بر روی زمین، وارث نهایی زمین و حاکم بر زمین است؛ انسان با توجه به آزاد بودن و داشتن قدرت انتخاب، توانایی شرکت در معادلات سیاسی و تغییر در شرایط سیاسی - اجتماعی را دارد. مستندات و آیات ذکر شده نشان‌دهنده جایگاه مردم در تصمیم‌گیری و مشارکت سیاسی در قرآن است. یکی از راهکارهای مهم گسترش مردم‌سالاری دینی در قالب مشارکت سیاسی، مشورت کردن و نظر خواستن از افراد با علایق و سلیق مختلف است؛ این سنت حسنه در اسلام از اصالت عمیق و کهن برخوردار است، عمری به قدمت ظهور دین اسلام دارد و ضمن سپردن امور و کارهای مردم به دست خودشان، تدبیر امور را به عقل جمعی می‌سپارد و بدین وسیله از استبداد رأی و دیکتاتوری جلوگیری می‌کند. مقبولیت مردمی، شورا و مشورت، تبادل آراء و نظرات، امر به معروف و نهی از منکر، ارتباط تنگاتنگ و عمیقی با مفهوم مشارکت سیاسی در دنیای مدرن امروزی دارند. شورا ارج نهادن به اندیشه و آراء مردم، شخصیت دادن به افراد، گزینش و انتخاب طرح و برنامه اصلح و پیشنهاد کارآمدتر و مقرون‌به‌صرفه‌تر است و در نهایت باعث می‌شود مردم خود را در امر حکومت سهیم بدانند و نسبت به آینده خود و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند امیدوارتر باشند؛ همچنین باعث رشد و برخورد اندیشه‌ها و به روز شدن افراد و استواری

کارها و به نتیجه رسیدن آن‌ها می‌شود.

توجه و نگاه ویژه قرآن و دین اسلام به فریضه امر به معروف و نهی از منکر، بیانگر ارزش و جایگاه مردم در نظارت بر مسئولین و حکومت‌داری است؛ این اصل از اصول بنیادین مشارکت سیاسی مردم در اداره جامعه و گذرگاهی مطمئن برای رسیدن به مردم‌سالاری دینی است، به این دلیل که این شاخص، وظیفه همگانی است نه یک عده خاص و از نظر قلمرو، بسیار گسترده و وسیع است و به جز امور پنهانی و شخصی افراد، همه زوایای زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی را در بر می‌گیرد. یکی از اصول مهم و اساسی که چهره مردم‌سالاری دینی را از دیگر مدل‌های مردم‌سالاری متمایز می‌کند، اصل انتقاد و حق اعتراض و بیان نقاط ضعف و قوت است. این اصل جدای از «امر به معروف و نهی از منکر» و «نظارت» نیست، بلکه نقد رفتار و عملکرد مسئولان، نوعی نظارت مشفقانه و امر به معروف نیز هست. اگر افراد جامعه اسلامی به وظایف انسانی-اسلامی خود عمل کنند و آیات الهام‌بخش قرآن مجید را ملکه ذهن خود قرار دهند و از قوه به فعلیت درآورند، می‌توانند جامعه آرمانی دلخواه خود را شکل دهند و مدینه فاضله مورد نظر قرآن را به منصفه ظهور عملی برسانند، زیرا این جامعه برگرفته از سیره، راه و روش انبیاء و صالحان است و در پرتو آن، فرایض بر پا، کسب‌ها حلال، امنیت روحی، روانی، سیاسی و اقتصادی برقرار شده و زمین آباد و خالی از ظلم و ستم می‌شود.

منابع

- اراکی، محسن (۱۳۸۰). جایگاه مردم در نظام حکومتی اسلام از دیدگاه امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- باباپور گل افشانی، محمدمهدی (۱۳۹۰). انقلاب اسلامی ایران، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- بهشتی، سید محمد (۱۳۷۷). ولایت، رهبری، روحانیت، تهران: بقیع.
- پورفرد، مسعود (۱۳۸۵). قرآن؛ جمهوریت و مردم‌سالاری، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های قرآنی، دوره ۱۲، شماره ۴۵: ۱۴۴-۱۶۱.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). آوای توحید، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). بنیان مرصوص، به کوشش محمدامین شاه‌جویی، قم: اسراء.
- حقی، محمد (۱۳۹۷). انقلاب اسلامی؛ مبانی و ویژگی‌ها با تأکید بر اندیشه‌های امام خمینی و مقام معظم رهبری، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۱). ولایت و حکومت؛ مباحثی در باب مفهوم ولایت، حکومت و حاکم اسلامی، تهران: صهبا.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، انتشارات صهبا.
- خسروانی، زهرا؛ جعفری نژاد، مسعود؛ گلشنی، علیرضا (۱۳۹۸). بررسی سبک زندگی مطلوب کارگزاران سیاسی منطبق بر قرآن، سنت معصومین (ع) و عقل، در راستای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، فصلنامه میان‌مطالعات فرهنگی، شماره ۴۱: ۳۱-۵۷.
- دانشیار، علیرضا (۱۳۹۷). تفسیر سیاسی مفاهیم قرآنی از دیدگاه امام خمینی، قم: مرکز ترجمه و نشر المصطفی.
- رستمی، علی‌اکبر؛ واعظ زاده خراسانی، محمد؛ امامی، محمد (۱۳۹۴). نقدی بر نظریه بیگانگی قرآن با سیاست (با الهام از اندیشه سیاسی امام خمینی ره)، آموزه‌های قرآنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۲۱.
- رهبر، علی (۱۳۸۰). مردم‌سالاری دینی از منظر قرآن کریم، فصلنامه کوثر، شماره ۱.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۳۷۰). البهجه المرضیه، ج ۱، چاپ ششم، قم: مؤسسه

مطبوعاتی اسماعیلیان.

- شریف مرتضی (۱۴۰۱). رسائل الشریف المرتضی، تقدیم و اشراف: السید احمد الحسینی، قم: دار القرآن الکریم.
- شفیع‌فر، محمد (۱۳۸۷). درآمدی بر مبانی فکری انقلاب اسلامی، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
- شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۰ق.). النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، چاپ دوم، بیروت: دارالکتاب العربی.
- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق.). المقنعه، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول، قم.
- صدر، محمد (۱۳۹۴). مردم‌سالاری دینی در اندیشه متفکران اسلامی، اولین کنگره ملی تفکر و پژوهش دینی، اردبیل.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۲). گزیده انقلاب اسلامی، تهران: نشر کتاب سیاسی.
- فدایی، عباس (۱۳۹۸). عقل و نقل و دلالت‌های معرفتی اندیشه شهید بهشتی، بازیابی شده از: سایت شهید بهشتی.
- فرهادی، پریسا (۱۳۹۷). بررسی اصول مردم‌سالاری دینی در قرآن، چهارمین کنگره فرهنگ و اندیشه دینی، قم.
- فکری، ابوذر (۱۳۹۵). افق تمدنی آینده انقلاب اسلامی، اصفهان: آرما.
- فیرحی، داود (۱۳۸۷). نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران: سمت.
- قادری، حاتم (۱۳۷۸). اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران، تهران: سمت.
- قاضی‌زاده، کاظم (۱۳۸۶). قرآن و مردم‌سالاری دینی در عصر غیبت، مجله علوم انسانی، شماره ۴.
- قرآن کریم.
- کاظمی، منصور (۱۳۹۴). اسلام و دموکراسی مشورتی، تهران: نی.
- لک‌زایی، رضا (۱۳۹۴). مؤلفه‌های بنیادین اندیشه سیاسی امام خمینی، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- لک‌زایی، نجف (۱۳۸۶). مستندات قرآنی فلسفه سیاسی امام خمینی، قم: بوستان کتاب.

بررسی فرهنگ مردم سالاری دینی در قرآن کریم.....

- مجید، استوار (۱۳۹۹). نقش سرمایه فرهنگی امام خمینی (ره) در انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، شماره ۴۵.
- محقق حلی، نجم‌الدین ابوالقاسم جعفر (۱۴۰۹). شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۱، الطبعة الثانية، تهران.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۰). انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدها، قم: دفتر نشر و پخش معارف.
- مدنی، جلال‌الدین (۱۳۸۹). تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مرشدی زاده، علی (۱۳۹۲). ابوالاعلی مودودی، تئورسین دولت اسلامی، مهرنامه، شماره ۱۰.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰). انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۰). مجموعه آثار، ج ۲، تهران: صدرا.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۸۰). سیاست و حکومت در قرآن، فصلنامه کوثر، شماره ۱۵.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۰). ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- نظرزاده، عبدالله (۱۳۸۰). آموزه‌های سیاسی قرآن، شماره ۱۵.
- نوریان، مهدی، آدینه، روح‌الله (۱۳۹۶). دسترسی و مشارکت فرهنگی، حق شهروندی در برخورداری‌های فرهنگی، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، شماره ۳۱.